



# ویژہ نامہ محرم الحرام

روز اول

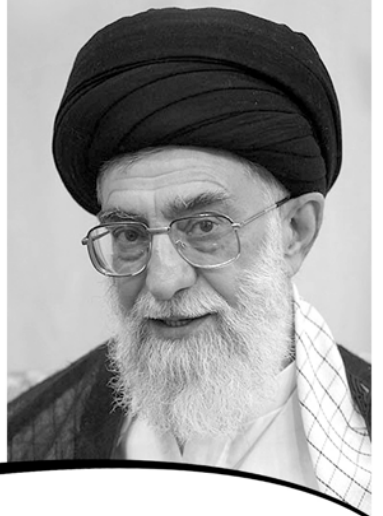
عاشور  
یا ایہا المسلمین

# صحنه‌ی آزمون خواص و عوام

خواص یعنی کسانی که وقتی یک عملی انجام می دهند موضعگیری می کنند، راهی را انتخاب می کنند، از روی فکر و تحلیل، می فهمند و تحلیل می کنند و عمل می کنند، اینها خواصند.

نقطه ی مقابلش هم عوام است. عوام یعنی کسانی که وقتی جو به یک سمتی می رود، آنها هم می روند، تحلیلی ندارند... فرض بفرمایید حضرت مسلم وارد کوفه می شود، می گویند پسر عموی امام حسین آمد. خاندان بنی هاشم آمدند، بروید، این ها می خواهند قیام کنند، می خواهند خروج کنند، طرفشان می روند. دور و بر هجده هزار نفر، بیعت می کنند با حضرت مسلم. پنج یا شش ساعت بعدش هم رؤسای قبایل می آیند داخل کوفه، به مردم می گویند چه کار دارید می کنید، با که دارید می جنگید، از کی دارید دفاع می کنید، پدرتان را در می آورند و چه و چه. اینها می روند اول خانه هاشان، بعد که سربازهای ابن زیاد دور خانه طوعه را می گیرند که مسلم را دستگیر کنند، همین ها می آیند باز بنا می کنند علیه مسلم جنگیدن. این از روی فکر نیست، از روی تشخیص نیست، از روی تحلیل درستی نیست.

# عاشورا

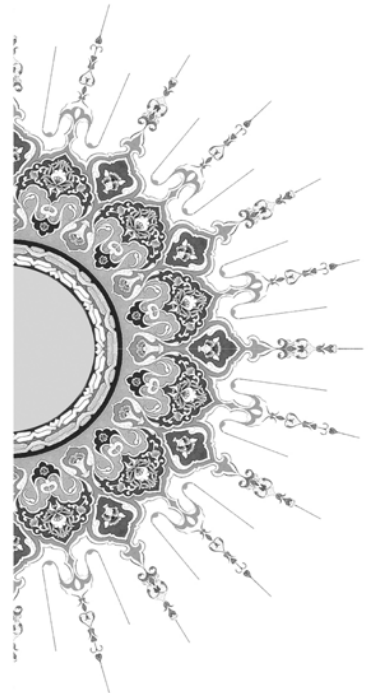


سخنرانی در لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص)

در مولفات بعضی از محدثین آمده که حضرت آدم (ع) وقتی به زمین آمد هوا را ندید و در روی زمین به دنبال او می گشت تا این که به سرزمین کربلا رسید. به او احساس غم شدید و تنگی سینه بدون هیچ دلیلی دست داد و در قتلگاه سید الشهداء (ع) زمین خورد و پایش زخمی گشت. خون جاری شد سر به سمت آسمان بلند کرد و عرضه داشت: خدایا خطای دیگری از من سرزده که اینگونه تنبیهم کردی؟ من تمام زمین را گشتم این گونه غم زده و دل‌تنگ نشدم. خطاب رسید: ای آدم! گناهی از تو سرزده. در این سرزمین فرزند تو حسین را مظلومانه می کشند خون تو موافق خون او جاری گشت آدم سوال کرد: ای خدا آیا حسین پیامبر است خطاب آمد: نه ولی فرزند محمد پیامبر (ص) است. پرسید: قاتل او کیست؟ خطاب آمد: یزید لعنت شده ی اهل آسمانها و زمین. آدم پرسید: حالا من چه باید انجام دهم؟ خطاب رسید: لعنت بفرست. چهار بار آدم بر قاتلان سید الشهداء (ع) لعنت فرستاد و به راه افتاد تا به کوه عرفات رسید و هوا را در آنجا یافت.

# آدم در کربلا

علیه السلام



# مجلس اول: حضرت مسلم

...حضرت مسلم (ع) برای اقامه نماز به مسجد کوفه رفت و پس از نماز متوجه شد که از چهل یا به نقلی هشتاد هزار نفری که با او بیعت کرده بودند، هیچکس به جز غلام و دو فرزندش در مسجد نیست.

...در کوی و برزن کوفه سرگردان بود به تنهایی راه می رفت، متوجه بانویی شد که درب منزل ایستاده و منتظر کسی است، از او تقاضای آب نمود، زن آب آورد، زن که نامش طوعه بود و از شیعیان علی (ع) بود به مسلم عرضه داشت: توقف تو در اینجا مناسب نیست به خانه ی خود برو، حضرت فرمود: ای زن من غریبم و در این شهر مأمونی ندارم آیا ممکن است امشب مهمان شما باشم، زن پرسید: مگر تو کیستی؟ فرمود: من مسلم بن عقیل هستم. طوعه پذیرفت و از او پذیرایی نمود.

صبح روز بعد با خیانت پسر طوعه مأموران عبید الله بر در خانه طوعه ریختند و پس از درگیری سختی مسلم را که بدنش مملو از زخم سنگ و نیزه شده بود اسیر کردند.

...ابن زیاد بکر بن حمران را خواست دستور دارد مسلم را بالای دارالاماره برده و گردن بزند. مسلم پس از آنکه سه بار آب طلب کرد و به علت شدت جراحات فک و لب نتوانست از آن بنوشد، درخواست وصی کرد و سه وصیت را فرمود:

۱- هفتصد درهم بدهکارم، زره و شمشیرم را بفروشید و بدهکاریم را ادا نمایید.

۲- وقتی کشته شدم بدنم را از ابن زیاد گرفته و دفن نمایید.

۳- به مولا و آقایم حسین (ع) نامه نوشته ام که به کوفه بیاید فردی را بفرستد و او را از این کار برحذر دارد.

پس از وصیتها بکر بن حمران او را به طرف پائین سرازیر کرده و سر مبارکش را از تن جدا نموده به پائین پرتاب کرد. بدن مبارکش را به صورت وحشتناکی به سمت بازار قصابها بردند و در آنجا به میخ قصابی آویختند، و سر مبارکش را به همراه سرهانی بن عروه به دروازه ی کوفه آویختند.

شرح شمع صفحه ۱۲۰

امام رضا (علیه السلام):

«محرم ماهی است که اعراب زمان جاهلیت خونریزی و کشتار را در آن حرام می دانستند و برای این ماه احترام قائل بودند، ولی (مسلمان نماها) در این ماه خون ما را حلال شمردند و ریختند و هتک حرمت ما نمودند و زنان و کودکان ما را در این ماه اسیر نمودند و آتش به خیام ما زدند و هر آنچه در آن بود غارت نمودند و احترام رسول خدا در حق ما را رعایت نکردند. همانا عزای حسین دل ها و چشم های ما را مجروح می نماید و اشک ما را جاری می سازد. عزیزان ما در سرزمین کربلا خوار و ذلیل شدند و ارث ما از سرزمین کربلا تا قیامت غم و اندوه است. پس بر حسین (علیه السلام) گریه کنندگان بگیرند که گریه بر او گناهان بزرگ را محو می کند.»

بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۳

## توصیه هایی برای اهالی محرم:

- ۱) به عظمت و مصیبت کربلا توجه داشته باشیم (دقت به تعبیری که امام هشتم (ع) برای محرم داشتند).
  - ۲) حتی الامکان سعی نماییم در برخورد های اجتماعی و جلسات از مزاح و شوخی در این ایام پرهیزیم.
  - ۳) سعی کنیم حتی المقدور در جلسات و محافل سهیم بوده و در اقامه ی عزای سید الشهداء (ع) نقش داشته باشیم که اقل این توفیق شرکت در جلسات و استفاده ی صحیح از محافل و مجالس می باشد.
  - ۴) توصیه به دوستان و آشنایان جهت حفظ حالت ماتم و احترام به حضرت صدیقه ی طاهره (ع).
  - ۵) تلاوت قرآن و قرائت ادعیه مأثوره از ناحیه اهل بیت (ع) که در کتب ادعیه آمده است.
  - ۶) اقامه ی نماز اول وقت که این عمل نقش بسیار سازنده و مهمی در حفظ روحیه انسان دارد.
  - ۷) اقامه ی عزای سید الشهداء (ع) به گونه ای که مورد توجه و تایید شارع مقدس باشد و پرهیز از مسائل موهن و سست و سرگرم کننده و بی محتوا.
- امید است که انشاء الله با توجه به نکات مطرح شده زمینه ی توجه به خدا و ائمه معصومین و رضایت خاطر حضرت ولی عصر (عج) را فراهم نماییم که امام صادق (ع) فرمودند: خداوند به سوگواران حسین (ع) درود می فرستد.

